

دهه هشتادی ها در دنیای واقعی زندگی نمی کنند

گمشده در فضای مجازی، پنهان در سوء تفاهم

در مناسبات اجتماعی بچه های دهه هشتاد، روابط مجازی بر تعاملات دنیای واقعی غلبه پیدا کرده است. این نسل در فضای مجازی بیشتر حضور دارد و فعالیت می کنند؛ فضایی که در آن، «مکان» به معنای واقعی خود و حتی زمان آن طوری که در واقعیت جریان دارد، معنایی ندارد. یکی از مسائلی که این نسل آن را تجربه نکرده، فرهنگ کوچه است؛ در نتیجه عملکرد فضای توسعه شهری، ما تا حدی فضای کوچه را از دست داده ایم.



آذر فخری، روزنامه نگار

چند روزی است آمار خودکشی شان در شبکه های مجازی و کانال ها، دست به دست می شود. بچه هایی که متولد دهه هشتاد هستند و حالا سن شان حول و حوش نوجوانی می چرخد. در واقع نوجوانانی که می روند وارد دنیای جوانی بشوند؛ کنکور بدهند، دانشگاه بروند، عاشق بشوند- اگر تا به حال چند ده بار عاشق نشده باشند!- و در نهایت...

نه شغلی و نه خانواده...

بدبینم؟ سپاه نمایی می کنم؟ خوب نه بدبینم و نه اهل سپاه نمایی؛ اما تا دل تان نخواهد واقع بینم و این واقع بینی به شدت متکی است بر آمار، که مسئولان به فارسی می گویند «پیمایش»! والایته همین مسئولان پارسی مدار، چندان دل و دماغ بررسی این طور آمارها را ندارند!

بچه های دهه شصت که با ناکامی و نامرادی، دیگر نه بچه و نوجوان، بلکه جوانانی از تک و تا افتاده اند که در مجرد و تنهایی به پایان سنین جوانی نزدیک می شوند. همین طور است داستان دهه هفتادی ها، که البته عده ای می گویند اوضاع شان تا حدودی بهتر از این دوده است. اما می رسیم به دهه هشتادی ها، فرزندان فضای مجازی که در فضاهای مجازی برنامه می چینند و در فضای واقعی، اجرایی کنند؛ میتینگ کوروش، شرکت در تشییع پاشایی، برنامه آبابازی در پارک آب و آتش و...

حسین، یک دهه هشتادی است که در توصیف خودش از کلمه «علاف» استفاده می کند! کلمه ای که وقتی آن را به زبان می آورد، تقریباً هیچ حسی نه در صدایش هست و نه در صورت و نگاهش. وقتی می خواهم توضیح بدهم منظور ش چیست و علافی چیست، می گویند: علافی یعنی هی بروی مدرسه، بر گردی خانه، مدام کنترل بشوی، مدام سوال پیچ بشوی، و بالاخره تنهاراهی که برایت باقی بماند این باشد که با دوستان ت در فضای مجازی چت کنی.

کوچه های بچگی، بادش به خیر!

مرحوم دکتر محمدامین قانعی را، رییس سابق انجمن جامعه شناسی، روزگاری در مورد فرزندان این دهه گفته است: مهم ترین خاصه این نسل، حضور فعال آنان در فضای مجازی است. برای این که شکاف در این نسل جبران بشود باید از طریق همان فضای مجازی وارد شد.

در مناسبات اجتماعی بچه های دهه هشتاد، روابط مجازی بر تعاملات دنیای واقعی غلبه پیدا کرده است. این نسل در فضای مجازی بیشتر حضور دارند و فعالیت می کنند؛ فضایی که در آن، «مکان» به معنای واقعی خود و حتی زمان آن طوری که در واقعیت جریان دارد، معنایی ندارد. یعنی در واقع، مفهوم زمان و مکان برای آن ها تغییر کرده و همین ویژگی زمانی و مکانی ارتباط های آن ها را با مناسباتی که نسل های قبل داشتند، متفاوت کرده است. یکی از مسائلی که این نسل آن را تجربه نکرده، فرهنگ کوچه است؛ در نتیجه عملکرد

فضای توسعه شهری، ما تا حدی فضای کوچه را از دست داده ایم. فرهنگ کوچه به عنوان محلی برای مناسبات بچه ها در شکل گیری شخصیت اجتماعی کودکان دهه هشتاد تأثیر زیادی داشت. یعنی مناسباتی که آن ها در کوچه با دیگران و با بچه های همسایه و محله برقرار می کردند، به شخصیت اجتماعی آنها شکل می داد. کوچه «مکان»ی است که امروز معنای خود را از دست داده و همراه با آن، فرهنگ کوچه هم از بین رفته است. در فضای کوچه بچه ها با یکدیگر ارتباط برقرار می کردند، بازی می کردند، تعامل داشتند، قهر و آشتی آن ها در این فضا اتفاق می افتاد و به نحوی مناسبات اجتماعی را با یکدیگر تمرین می کردند. اما امروز کوچه محلی برای پساگاتر اتومبیل ها شده و نه فضایی که به طور مثال، پسر ها بتوانند گل کوچک بازی کنند یا دختر بچه ها بازی های خاص خود را داشته باشند. محله و کوچه به عنوان دو فضا، فرهنگی متناسب با خود را نیز به همراه می آوردند اما امروز این دو جایگاه خود را در شکل دادن به شخصیت بچه ها از دست داده اند. در گذشته، بخش زیادی از اوقات فراغت بچه ها در کوچه و با مناسبات محلی می گذشت. در دهه ۴۰ و ۵۰ این فرهنگ قوی تر بود، در دهه ۶۰ نیز وجود داشت، دهه ۷۰ ضعیف شد و در دهه ۸۰ به کلی از بین رفت.

این تعاملات سبب می شد دوستی های پایداری در میان کودکان شکل بگیرد. بچه هایی که تباطور و درو

گمشده در فضای مجازی!

مرحوم قانعی را در به نکته ظریفی اشاره کرده است: به این که بچه های دهه هشتاد این فرهنگ را تجربه نکرده اند، محدود به فضای خانه هستند و از طریق فضای مجازی با افراد ارتباط برقرار می کنند.

این ارتباط ممکن است با افراد غریبه و حتی با همکلاسی ها و دوستان باشد. ممکن است از نظر کمی تعداد روابط و افراد بیشتر باشد اما از نظر کیفی،

محتوای عاطفی این روابط تضعیف شده و تا حدی روابط انسانی سطحی تر می شود و مبتنی بر تبادل اطلاعات است تا رد و بدل کردن عواطف و احساسات و حتی تبادل نگاه ها و دیگر پدیده ای به نام نگاه و تعامل فیزیکی انسان با انسان در این میان وجود ندارد. این روابط سطحی که عمق و بار عاطفی زیادی ندارند و طبیعتاً نمی توانند پایداری زیادی نیز داشته باشند. دوستی ها سیال و متغیر است و در شرایط خاصی شکل می گیرد و نمی تواند خاطرهای را بین طرفین شکل دهد، زیرا خاطره بیشتر در زمان و مکان واقعی شکل می گیرد؛ پس روابط زودتر از بین می رود و مناسبات و روابط مجازی خیلی سریع تر در معرض فراموشی قرار می گیرند.

روابط مجازی از طریق شیوه شکل دادن به مناسبات بین افراد بر شخصیت آنها باعث می شود

شخصیت کمتر وفادار و پایدار باشد و حتی مفهوم دوستی نیز ممکن است معنای خود را از دست بدهد. اتفاق دیگری که بر شکل دادن شخصیت بچه ها اثر داشته فضای حیاط مدرسه است که متفاوت با فضای کلاس است. کلاس از رسمیت برخوردار بود اما بعد از اتمام کلاس، در حیاط مدرسه بود که روابط دوستی شکل پیدا می کرد و احساس همکلاسی و هم مدرسه ای بودن تقویت می شد. اما در حال حاضر، مدرسه ای به ویژه در سطح دبستان وجود دارند که اصلاً فضایی به نام حیاط برای آن ها معنی ندارد. کودکان بعد از طی کردن چند پله به کلاس می روند و بعد از تمام شدن کلاس نیز به خانه برمی گردند؛ رنگ تفریح های کوتاه آن ها در مکانی به اسم حیاط همراه با بازی و نشاط و قهرو آشتی سپری نمی شود.

هشتادی ها تعامل در درون دارند!

بچه های دهه هشتاد به دلیل عضویت در شبکه های اجتماعی کمتر روزنامه و کتاب می خوانند. یعنی جایگاه کتاب خواندن در این نسل به شدت تضعیف شده و فقط کتاب درسی برای آنها اهمیت دارد. در نسل های گذشته، در کنار کتاب های درسی کتاب های زیادی اعم از کتب تاریخی، سیاسی، اجتماعی، مذهبی، شعر، رمان و حتی مجلات عمومی اهمیت پیدا می کرد. در حال حاضر، بیشتر وقت بچه ها صرف مدرسه و بعد از آن، کلاس های آمادگی برای کنکور می شود. در نتیجه، وقت محدودی برای آنها باقی می ماند که آن را هم شبکه های اجتماعی می گیرند. یکی دیگر از ویژگی های این نسل این است که نوشتن و خواندن آن ها نیز به فضای مجازی محدود می شود. یک شهروند در یک جامعه باید از مهارت های گفتاری و شنیداری خوبی برخوردار باشد و این را در فضای واقعی تمرین کرده باشد. یعنی سخن گفتن از طریق زبان و نه فقط خواندن جملات را بلد باشد زیرا زبان به همراه خود بار عاطفی دارد و بار معنایی خاصی منتقل می کند و پویایی ویژه ای دارد. بنابراین، تجربه گفتن و شنیدن در فضای واقعی کاملاً با خواندن و نوشتن در فضای مجازی متفاوت است.

یک شهروند در یک جامعه باید از مهارت های گفتاری و شنیداری خوبی برخوردار باشد. یعنی سخن گفتن از طریق زبان و نه فقط خواندن جملات را بلد باشد زیرا زبان به همراه خود بار عاطفی دارد و بار معنایی خاصی را منتقل می کند

شکل گیری

گروه های مرجع مجازی!

این نسل، گروه های مرجع خود را در فضای مجازی جست و جوی می کند. قبلاً رادیو، تلویزیون و مطبوعات، رسانه هایی بودند که به گروه های مرجع جوانان شکل می دادند، اما امروز این فضای مجازی است که گروه های مرجع را شکل می دهد و معرفی می کند و چون فضای مجازی نیز فضای تصویری است، در نتیجه، گروه هایی در این فضا حضور بیشتر دارند که با فرهنگ تصویری ارتباط بیشتری می توانند برقرار کنند و تبدیل به گروه های مرجع این نسل شوند.

این سبب می شود که گروه های مرجع هنری نسبت به گروه های مرجع ادبی موفقیت بیشتری از حیث تأثیر گذاری در فضای مجازی پیدا کنند. بنابراین، نقش گروه های مرجع روشنفکری کاهش پیدا می کند و الگوهای فکری هنری تقویت می شوند. پس هنرمندانی که در شبکه های اجتماعی حضور دارند بیشتر در بین جوانان جلب توجه می کنند. امروز یک خواننده ز پرمینی بیشتر می تواند نقش یک الگوی فکری را بازی کند تا روشنفکرانی که برای دهه های ۴۰ و ۵۰ نقش بیشتری داشتند. این نسل، گروه های مرجع عمیق فکری را از دست داده اند. مثلاً کانال تلگرامی متعلق به یک استاد دانشگاه، سه چهار هزار عضو دارد، اما یکی از کانال هایی که هیچ محتوایی را منتقل نمی کند، ۵۰۰ هزار عضو دارد!

آن هایی تقصیرند!

وقتی باوالدین، مربیان و آموزگاران و حتی برخی کارشناسان و روان شناسان صحبت می کنیم آنان فرزندان دهه هشتادی را عجول و لذت طلب معرفی می کنند و می گویند انتظار شان از اطرافیان و جامعه بالاست. بچه های این نسل متوقع و در عین حال بی ملاحظه اند! و قرائت های خاصی از عقاید دینی، سیاسی و اجتماعی دارند.

اما مهم تر از همه این گالیه ها و شکایت ها، حرف های خود دهه هشتادی ها هست؛ آن ها معتقدند نادیده گرفته می شوند. با آن ها صحبت نمی شود. خواسته های شان نه فقط عملی که حتی دیده نمی شود. آن ها انگار از فضا آمده اند؛ فضای گفت و گوی آن ها در هر جمعی، فضای سوء تفاهم است. آن ها از این وضعیت به ستوه آمده اند. همین!

از گوشه و کنار

سقفی برای کارتن خواب ها
آغاز به کار مرکز غربالگری
شهرداری تهران



مدیرعامل سازمان رفاه، خدمات و مشارکت اجتماعی شهرداری تهران در تشریح برنامه های این سازمان در خصوص ساماندهی کارتن خواب ها گفت: با توجه به مکان یابی مناسبی که در مناطق انجام شده، کارتن خواب ها دسترسی آسانی به گرم خانه ها دارند علاوه بر دسترسی جامعه هدف به خدمات گرم خانه، استانداردها و کیفیت خدمات ارائه شده را افزایش داده ایم و اکنون در ۱۶ منطقه پایتخت گرم خانه به ظرفیت ۱۵۰۰ نفر وجود دارد که قابلیت افزایش ظرفیت به ۳ هزار نفر را دارند.

سید نجم الدین محمدی ادامه داد: برای ارائه خدمات به این اقشار، اتوبوس های سیار پیش بینی کرده ایم، در سال گذشته حدود ۵۰۰ دستگاه اتوبوس برای اسکان معناتان کارتن خواب اختصاص داده شده بود که با توجه کلونی کارتن خواب ها در مناطق مستقر شده بودند. محمدی عنوان کرد: علاوه بر اتوبوس ها، حدود ۳۰ گشت ویژه خدمات اجتماعی در مناطق گشت زنی می کنند و پس از جمع آوری معناتان کارتن خواب آن ها را به گرم خانه اتوبوس های سیار منتقل می کنند. وی ادامه داد: افراد به محض ورود به گرم خانه توسط پزشکان، معاینه و مراحل غربالگری انجام می شود، برخی در گرم خانه می مانند و تعدادی هم با حکم قضایی به «مرکز ترک اعتیاد ماده ۱۶» منتقل می شوند و افرادی هم که بیمار هستند با هماهنگی وزارت بهداشت و درمان به مراکز درمانی می روند.

محمدی افزود: به هر شکل کارتن خوابی معضلی نیست که نتوان آن را حل کرد بلکه با آموزش های لازم و اقدامات موثر آن ها را می توان به جامعه بازگرداند از این رو می توان به کارتن خواب ها به دید یک شاگرد رفوزه نگاه کرد و به آن ها فرصت آموزش مجدد آن را داد.



سامان سرای
زنان کارتن خواب



سامان سرای لویزان در منطقه چهار تهران با گنجایش ۱۵۰ نفر به صورت دائم و شبانه روزی پذیرای زنان آسیب دیده می باشد.

سامان سرای لویزان محلی است که زنان بی خانمان به صورت موقت در آن پناه می گیرند. زنانی که نیازمند حمایت های اجتماعی هستند می توانند از خدمات و تسهیلاتی که این «سامان سرا» فراهم کرده استفاده کرده و به خود کفایی مالی و اقتصادی دست پیدا کنند و از آسیب پذیر بودن مصون بمانند. عمده هدف این مرکز زن های بی خانمانی هستند که توسط واحدهای فوریتی شهرداری به مرکز سامان سرای لویزان منتقل می شوند. در این مرکز زنان بی خانمان، متکدی و معتاد پس از گذراندن دوره بهبودی زمانی که به حد مناسبی از سلامت رسیدند و از وضعیت نامناسب جسمی، روانی و سلامتی بیرون می آیند باید از مرکز مرخص بشوند.

مدیرعامل سازمان رفاه، خدمات و مشارکت اجتماعی در خصوص اقدامات پیش بینی شده برای زنان معتاد و کارتن خواب گفت: اتوبوس ویژه برای بانوان پیش بینی شده است که زنان کارتن خواب را به گرم خانه منتقل می کند. هم چنین در مناطق ۱۵ و ۲۲ مرکز مدار و کودک داریم که متناسب با ایام سال به زنان کارتن خواب خدمات ارائه می شود.

پاک شده در خانه و آب گوشتی که اندکی گوشت و مقدار بیشتری آب و سیب زمینی و حبوبات دارد می تواند از ده میهمان سیر شده با کیفیت عالی و با هزینه ای اندک پذیرایی نماید.

آیا می توان خانه ایرانی مولد را مجدداً و به شکلی که با مقتضیات امروزی هماهنگ باشد احیا نمود؟ رشد سرطانی اقتصاد پولی بزرگترین دشمن اقتصاد مولد خانگی است. افراد شاغل بخش بزرگی از وقت و انرژی حیاتی شان را صرف فعالیت های لازم برای دریافت پول می کنند. در نتیجه آن ها نه تنها فرصت اندکی برای مشارکت در فعالیت های مولد خانگی دارند، بلکه تنها مهارت مهمی که برای اداره امور منزل می آموزند هزینه کردن پول است و حتی توانایی ذهنی اندیشیدن به چیزی دیگر گونه نیز معمولاً از آن ها دریغ می شود. نتیجه توانایی

دویدن یا نرمش کردن از رفتن به باشگاه ورزشی یا استخدام مربی ورزشی ارزان تر است.

بسته به محل زندگی تان احتمالاً در باره صحت برخی از این گزاره ها تردید خواهید کرد و احتمالاً هم درست می گویند. اما در نظر داشته باشید که تا همین چند دهه پیش این گزاره ها در باره بخش بزرگی از مردم ایران صادق بودند و چه بسا در آینده ای نه چندان دور نیز مجدداً بیان گر واقعیت اقتصادی بسیاری از ایرانیان باشند. خانه ای سنتی را در نظر بگیرید که با مقداری نان که همان روز از نانوا بی خریداری شده، ترشی خانگی، سبزی خوردن

خانه های ایرانی مولد

روز به فیض

خرید مواد اولیه مانند برنج و گوشت و سبزی و طبخ آن ها در خانه از خرید غذای آماده ارزان تر است. خرید پارچه و نخ و کاموا و دوختن و بافتن البسه از خرید لباس های آماده از بیرون ارزان تر است. مراقبت فرزندان توسط پدر یا مادر از گذاشتن آن ها در مهد کودک یا استخدام پرستار ارزان تر است. کاشتن سبزیجات در گلدان یا حیاط خانه از خرید سبزیجات بسته بندی شده از مغازه ارزان تر است. زندگی پر تحرک همراه با پیاده روی،